

بشار بن برد طخارستانی، ابومعاذ. (۹۶-مقتول ۱۶۷ ق)، شاعر، خطیب و ادیب. چون در کودکی گوشواره در گوش می‌کرد، لقب مرعش گرفت. در بصره نایبنا متولد شد. اصلاً از شاهزادگان طخارستان بود. از ده سالگی به زبان عربی شعر می‌گفت و چون به سن رشد رسید، از نیش زبان او می‌ترسیدند. بشار بن برد مقدم شعرای زمان خود بوده و دولتهای اموی و عباسی را درک کرده و در این دو دولت مدحها و هجاها گفته، و به هجا بیشتر میل داشته است. مهدی خلیفه عباسی و خالد برمکی از جمله ممدوحان او بودند. وی در انواع شعر بخصوص قصیده و رجز ابتکار و ابداع داشت و مقلد نبود. اشعارش را حدود دوازده هزار بیت و بنا به قول خودش دوازده هزار قصیده گفته‌اند. این کور روشندل در شعر تشبیهاتی دارد که بینایان مانند آن را نمی‌توانند بیاورند. در بعضی اشعارش علاقه وی به ایران کهن و تمایلات شعوبی او مشهود است. سه جلد از «دیوان» مفصل او در قاهره به چاپ رسیده است. وی در مباحثات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور بود و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر و به کثرت آثار معروف بود، به طوری که آثاری نیز به زبان فارسی از او باقی مانده و چند خطابه در نثر دارد. سرانجام در عهد مهدی خلیفه، دشمنانش او را متهم به زندقه کردند، بشار دستگیر و محکوم به تازیانه شد، و سپس او را در باتلاقی در بطائح انداختند.

- الاعلام (۲/ ۲۵-۲۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۲۳-۲۴)،  
 ۱۹۱، ۴۵۲)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۲۸۳-۲۹۵)،  
 تاریخ‌الاسلام (حوادث ۱۶۱-۱۷۰ هـ / ۸۷-۹۲)، تاریخ  
 بغداد (۷/ ۱۱۲-۱۱۸)، تاریخ فلاسفه ایرانی (۳۴۲)،  
 حماسه سرایی در ایران (۱۶۰-۱۶۱)، الذریعه (۹/  
 ۱۳۸-۱۳۷)، ریحانه (۱/ ۲۶۸)، سرآمدان فرهنگ (۱/  
 ۲۲۵)، سیرالنبلاء (۷/ ۲۵-۲۴)، فرهنگ ادبیات فارسی  
 (۹۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۶۶)، الکنی و  
 الالقاب (۳/ ۱۷۹-۱۸۰)، لسان المیزان (۲/ ۲۷-۲۸)،  
 لغت‌نامه (ذیل/ بشار)، معجم المؤلفین (۳/ ۴۴-۴۵)،  
 الوافی بالوفیات (۱۰/ ۱۳۵-۱۴۱)، وفيات الاعیان (۱/  
 ۲۷۱-۲۷۴).